

# شمشیرزنی ایرانی

این مقاله نخست در سال ۲۰۰۹ توسط دکتر منوچهر مشتاق خراسانی به زبان فرانسوی منتشر شد. عنوان فرانسوی مقاله:

[L'Escrime Persane. Traduit par Francisco José Luis. La Revue de Téhéran. Mensuel Culturel Iranien en Langue Francaise. N. 49, Décembre 2009, 5e Annee, pp. 10-19.](#)

## ۱- معرفی

این مقاله به ارائه یک نمای کلی از تکنیک های حمله با شمشیر می پردازد که در واقع مهمترین جزء شمشیرزنی ایرانی به شمار می آید. واژه "شمشیر" یک عبارت کلی است که به تمام گونه های شمشیر، صرف نظر از انحنایشان اطلاق می شود. به لطف سالهای طولانی پژوهش دست نوشته های زیادی بررسی شده اند و فنون گوناگونی بر اساس جنگ افزارهای مختلف طبقه بندی شده اند. این فنون به دسته های حمله ای، دفاعی، تظاهری و ترکیبی تقسیم شده اند. این مقاله تنها به فنون حمله با شمشیر می پردازد.

باید در نظر داشت که در شمشیرزنی ایرانی سپر نقش مرکزی ایفا می کند و یک جنگجوی ایرانی در یک دست خود شمشیر داشت و در دست دیگرش سپر. سپر در شمشیر بازی ایران تنها یک جنگ افزار دفاعی به شمار نمی رفت بلکه کاربرد تهاجمی نیز داشت. در شمشیرزنی ایرانی همچنین بازوبندهایی نیز تعبیه شده است که در دفع حمله شمشیر یا قداره حریف موثر بوده و به جنگجوی ایرانی کمک می کرد که میج دست حامل شمشیر وی را بگیرد. در همین حال در مبارزه از فاصله کوتاه بسیاری از فنون دیگر چون پرتاب حریف (مانند ورزش هایی چون جودو) نیز به کار می رفتند. با این وجود مقاله پیش روی به پرداختن به فنون کلی حمله با شمشیر بسنده خواهد کرد. قبل از هر چیز به قوانین رفتاری جنگاوران (جوانمردی) و تشریفات و احترام های میدان رزم، آن گاه در بخش بعدی مقاله به آموزش و آمادگی برای مبارزه و سرانجام در بخش سوم به مرور تکنیک های حمله با شمشیر پرداخته می شود.



صحنه "ابوالمحسن رعد را به دو نیم می می کند" از نگارگری دست نویس خاوران نامه سروده ابن حسام خوشفی بیرجندی که فن "نیغ را حواله سر نمودن" را نمایش می دهد (با کسب اجازه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

## ۲- آیین رفتاری، مراسم و احترام

در شمشیرزنی ایرانی، مبارزه همواره با یک سری آیین ها همراه بود که از سوی مبارزین ایرانی رعایت می شدند. این آیین ها در مجموع "جوانمردی" خوانده می شوند. مفهوم ایرانی جوانمردی بسیار به "فتوت" عربی شباهت دارد. ذاکری شرح می دهد که پدیده فتوت (ریشه گرفته از "فتی" به معنای "مرد جوان"؛ جمع آن "فتیان") مشخصه فرهنگ اسلامی است. از سده های نخستین اسلام، فتوت به یک سری قوانین اخلاقی و اجتماعی اطلاق می شد که توسط انجمن ها و صنعت پیشگان گوناگون و همچنین گروه های بزرگتری چون جوانمردان اسلامی، صوفیان و فرقه های درویشان، فعالان شهری (عیاران)، انجمن مبارزان جنگجو (غازیان، مجاهدون و مرابطون) و انجمن اشراف جوان و زورخانه های سنتی ایرانی مراعات می شدند. این قواعد و سنت ها از طریق انجمن ها و محافل چون سربداران، شاطران، یتیمان، لوتیان و مشتیا تا قرن بیستم و انقلاب مشروطه هم زنده نگاه داشته شده بودند ([۱]: ص ۱). ذاکری ([۱]: ص ۳) شرح می دهد که چرا با وجود پژوهش های فراوان در زمینه "فتوت" بیشتر پژوهشگران در نیافتند که ریشه این آیین به ایران پیش از اسلام باز می گردد. در تمام این دوره ها، اشراف و خانواده های سلطنتی حامی این آیین فکری و اخلاقی بودند.

آن طور که مجمع الانساب ([۱۵]: ص ۳۴۴) کتابی از قرن چهاردهم اشاره می کند یکی از قواعد این آیین آن بود که پیش از هر مبارزه یا تمرین دسته های شمشیر ها را به هم می زدند که این رسم "دسته های شمشیر را می بوسیند" خوانده می شد. هدف از این رسم، ادای احترام به شمشیر بود. در کتاب "فتوت نامه سلطانی" که به دوران صفویان بازمی گردد، کاشفی سبزواری ([۷]: ص ۳۵۲) شرح می دهد که دارنده قبضه (به جناس جزء از کل یعنی خود شمشیر) باید هشت نکته را رعایت کند که یکی از این ها به هم زدن دسته/قبضه شمشیرها است. کاشفی سبزواری در ادامه توضیح می دهد هر گاه کسی با شمشیر میدان وارد می شود با قبضه شمشیرش به قبضه شمشیر افراد پیش از خود می زند. در داستان حسین کرد شبستری ([۵]: ص ۵۶) نیز از این رسم با نام "نیغ را بوسه دادن" یاد شد.



صحنه "شاه اسماعیل در حال کشتن سلطان بایراک" در عالم آرای شاه اسماعیل که شاه اسماعیل را در حال اجرای فن "شمشیر بر سر زدن و تا ناف دریدن" نشان می دهد (با کسب اجازه از موزه عباسی).

### ۳- تمرین کردن و آمادگی برای نبرد

منابع ایرانی گزارش می کنند تمام مبارزین در تیراندازی با کمان، چوگان، شکار، مبارزه و شمشیرزنی تمرین می کردند. این منابع همچنین از تمرین ورزش رزمی سنتی ایرانی یعنی ورزش پهلوانی از سوی مبارزین ایرانی خبر می دهد. ورزش پهلوانی یک ورزش رزمی سنتی است که در زورخانه ها تمرین می شود. برای رزمندگان ایرانی، زورخانه محلی برای تمرین قدرت، استقامت و تمرین های سنتی است. ورزش پهلوانی ارزش های اخلاقی را در ذهن پرورش داده و علاوه بر این، هنر نبرد و آمادگی برای رزم را نیز آموزش می دهد. هر وسیله تمرینی در ورزش پهلوانی یادآور یک سلاح است که در میدان نبرد واقعی به کار می رود. پیروان این ورزش رزمی به قواعد جوانمردی سخت پایبندند. تمام تمرین ها با آواز و ضرب های مرشدی همراه است که حماسه های شاهنامه را از حفظ می خواند. به لطف چنین تمریناتی، مبارز ایرانی به رزمندگان ایده آل یعنی پهلوان که شجاع، نیرومند، توانا، راستگو و دشمن دروغگویی است تبدیل می شود. این نوع تمرینات نقش بزرگی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران داشتند. به لطف پهلوانان ایران توانست علیرغم حملات فراوان به خاکش تسلط و هویت خود را حفظ نماید.

زورخانه گودی در مرکز دارد که در اصل ۸۰ سانتیمتر پایین تر از سطح زمین و به قطر ۶ متر است. اما اکنون برای اینکه ورزشکاران بیشتری برای تمرین کردن در خود جای دارد بسیار وسعت یافته است. هر زورخانه یک سردم دارد که محلی است که مرشد بر آن می نشیند و ضرب می گیرد و زنگ را به صدا در می آورد و داستان های شاهنامه یا امام علی را می خواند. در اینجا هم مشابه ارتش یک سلسله مراتب وجود دارد. مرشد بالاترین مرتبه را دارد و اوست که تمرین را هدایت می کند و اجازه ورود به گود و خروج از آن را به سایرین می دهد. او با تغییر در آواز خود و تغییرات نواخت ضرب تمرین ها را تغییر می دهد و به تازه واردین نیز خوشامد می گوید. در بین افرادی که این ورزش را انجام می دهند، پس از مرشد، *سادات* ها بالاترین مرتبه و اهمیت را دارند. آن ها با نرمشی شروع می کنند و یکی از آن ها به عنوان میاندار در وسط گود آمده و رهبری تمرین را بر عهده می گیرد و دیگران از وی پیروی می کنند. رده های بعدی پیشکسوت، پهلوان، صاحب زنگ، نوحاسته، نوچه و تازه کار بودند. تمام ابزارهایی که در ورزش پهلوانی استفاده می شوند بر مبنای سلاح های تاریخی بوده و نیت این بود که رزمندگان پهلوان را برای استفاده از آن سلاح ها در میدان نبرد آماده کنند. ابزارهای ورزش پهلوانی بسیار سنگین هستند و به کار بردن آن ها کار آسانی نیست.

الف) سنگ: همان سپر است. در گذشته، سنگ پهلوانی از سنگ ساخته می شد ولی اکنون از دو تخت الوار تشکیل شده است که دسته ای در میان آن گذاشتند و روی آنرا با نمد پوشاندند تا دست گیرنده سنگ را زخم نکند. درازای سنگ صد و بیست سانتی متر و پهنای آن هشتاد سانتی متر است. ضخامتش پانزده سانتیمتر و وزن هر سنگ تقریباً شانزده تا هجده کیلوگرم است یعنی ورزشکار در مجموع سی و دو تا سی و شش کیلوگرم سنگ می زند.

ب) کباده: افزاری است که به کمان شباهت دارد و تماماً از آهن یا فولاد ساخته می شود. طول کمان کباده ۱۶۰ سانتی متر است و از حلقه های آهنی بزرگ تشکیل یافته است. وزن کباده حدود ۹ کیلوگرم است و دسته ای ۲۰ سانتی متری در میان کمان آن تعبیه شده است. ورزشکار کباده را بالای سر خود نگه می دارد و مرتباً از سمتی به سمت دیگر می کشد تا عضلات خود را برای کشیدن کمان آماده کند.

ج) تخته شنا: تخته ای است پایه دار که طولش به اندازه یک متر و پهنای آن ده سانتیمتر است. ورزشکار از یک دست به دست دیگر شنا می کند، درست مانند فنون شمشیرزنی.

د) میل: که از چوب های مخروطی ساخته شده است در واقع تداعی کننده گرز است. وزن میل از ۴ تا ۲۳ کیلوگرم متغیر است اما معمولاً برای تمرین کردن از میل های ۴ تا ۱۱ کیلوگرمی استفاده می کنند

علاوه بر اینها ورزشکاران در زورخانه زورآزمایی می کنند (۱۲): ص ۳۴۵ تا ۳۵۲ را ببینید).



صحنه "ابوالمجنن در میدان نبرد" از نگارگری دست نویس خاوران نامه سروده ابن حسام خوسفی بیرجندی که فن "بر دست شمشیر زدن" را نمایش می دهد (با کسب اجازه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

#### ۴- فنون حمله

به صورت کلی می توان فنون حمله را در به این دسته ها تقسیم کرد:

- ضربات رو به پایین (۴. ۱)،
- ضربات رو به بالا (۴. ۲)،
- ضربات افقی (۴. ۳)،
- ضربات رو به جلو (۴. ۴)،
- ضربه های با پشت شمشیر (۴. ۵)

## ۴.۱ ضربات رو به پایین

ضرباتی شمشیری است که بر سر و گردن فرود می آید و در متون و نگارگری های ایرانی بیشتر از همه به چشم می خورند. این فن را در نقش و نگارهای سینی های پول شاهان ساسانی یعنی روزگاری که شمشیرهای دودم مستقیم رواج داشت هم می توان دید. بر روی این قفسه ها می توان مشاهده کرد که چگونه به کمک این فن، سوار بر اسب گرازها را می کشتند. از کتاب هایی چون *سمک عیار* (۱۹: ص ۳۹۲) از قرن یازدهم و *آداب الحرب و الشجاعة* (۸: ص ۳۵۶) از قرن دوازدهم بر می آید در دوران بعدی که تیغه شمشیر قوس پیدا کرد همچنان محبوبیت این تکنیک ادامه داشت. بعداً با افزایش قوس تیغ کماکان با عباراتی چون "تیغ را حواله سر نمودن" در کتاب *رموز حمزه* (۱۴: ص ۸۷:۱۵۰) یاد می شود یا در *عالم آرای شاه تهماسب* (۲: ص ۲۹۲) کتاب دوران صفوی با "شمشیر بر فرق زدن" به آن اشاره شده است.

این که در این نگارگری ها این تکنیک را از روی اسب اجرا می کردند نباید این گمان را به وجود آورد که فنی مختص اسب سواران است. نگارگری های دیگری نیز در دست است که در آن پیاده ها هم در حال اجرای فن مورد نظر بودند. کتاب *داستان حسین کرد شبستری* (۵: ص ۲۶۰) از دوران صفوی در مورد این فن و چگونگی به کار بردن آن به ما آگاهی می دهد. هدف های این فن از این قرار بودند

الف) فرق سر: "شمشیر بر سر زدن و تاناف دریدن" در *مجمع الانساب* (۱۵: ص ۳۳۸)،

ب) شانه: "تیغ بر سر کتف زدن" در *ظفرنامه* (۱۳: ص ۳۱۷)، "بر کتف زدن و برق تیغ از زیر کتف نمودار گشتن" در *اثر شیرویه نامدار* (۱۶: ص ۲۴۴)،

ج) بازو: "شمشیر بر دست زدن" در *ابومسلم نامه* (۱۷: ج ۳ ص ۴۲۷)،

د) مچ دست: "شمشیر بر بند دست زدن" در *عالم آرای شاه تهماسب* (۲: ص ۲۹۲).



صحنه "قباد با حریف خود روبرو می شود" برگرفته از نگارگری *خاوران نامه اثر ابن حسام خوسفی بیرجندی* که اجرای فن "شمشیر در کردن زدن" را نشان می دهد (با کسب اجازه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

## ۴.۲ ضربات رو به بالا

متون ایرانی از ضربات رو به بالا هم خبر می دهند. برای اجرای این فن، در لحظه را در لحظه تقاطع شمشیر با دیگری آن را به پایین آورده و آنگاه به بالا ضربه می زنند. این فن غالباً برای ضد حمله به کار می رود. در *ابومسلم نامه نوشته طرطوسی* (۱۷): ج ۳ ص ۲۷۳ آمده است که این فن را برای ضد حمله علیه ضربات رو به پایین که سر را هدف گرفته اند به کار می برند تا زیر بغل فرد مهاجم را بزنند. به گفته کتاب *رموز حمزه* (۱۴): ص ۸۷:۹۶ اجرای پر قدرت این فن می تواند دست را از بدن جدا کند: "تیغ به زیر بغل نواختن و از سر کتف در آمدن". این فن را می توان در موقعیتی که حریف سپر را برای محافظت از سرش در برابر ضربات رو به پایین بالا می گیرد نیز به کار برد. در چنین موقعیتی همانطور که در *داستان حسین* کرد شبستری توصیف شده است می توان به زیر بغل دستی که سپر را نگاه داشته است ضربه وارد کرد (۵): ص ۱۸۹).

گونه دیگر این فن به این شکل است که زانو زده و با یک خیز ناگهانی بازوی حریف را هدف قرار داد: "برزانو نشستن و تیغ انداختن" در *داستان حسین* کرد شبستری (۵): ص ۷۰. شکل دیگر اجرای این فن این است که تهیگاه را قرار می دهند، همانطور که در *خاوران نامه* (۱۸): ص ۸۸ آمده: "تیغ بر تهیگاه زدن".

## ۴.۳ ضربات افقی

یک سری از فنون دیگر به صورت افقی اجرا می شوند یعنی از راست به چپ یا از چپ به راست. بخش های مختلفی از بدن را می توان به وسیله آن هدف قرار داد از جمله: گردن، پهلو و پاها. در این فنون، گردن بیش از سایر اعضای بدن هدف قرار می گیرد و این مساله را در کتاب *قرن دوازدهمی الآداب الحرب والشجاعه* (۸): ص ۴۸۰ می توان دید که فن: "شمشیر در گردن زدن" را شرح داده است.

پشت حریف نیز از دست این فنون در امان نبوده و در موقعیت های گوناگونی مانند وقتی که حریف سپر را برای محافظت از سر و صورت خود بالا می برد می توان اجرا کرد. از این تکنیک با عنوان "شمشیر به کمر زدن" در کتاب *قرن دوازدهمی اسکندرنامه* (۶): ص ۵۵۴ یاد شده است.

دیگر نقاط هدف این فن عبارتند از:

الف) پهلو: "شمشیر بر پهلو زدن" / *مجمع الانساب* (۱۵): ص ۳۳۸،

ب) پا: "شمشیر بر پای زدن" / *رموز حمزه* (۱۴): ص ۵۳۰،

ج) صورت: "شمشیر بر صورت زدن" / *رموز حمزه* (۱۴): ص ۴۴.

## ۴.۴ ضربات رو به جلو

در متون ایرانی به ندرت از ضربات رو به جلو سخن به میان آمده است، زیرا یک رزمنده ایرانی می توانست به این منظور نیزه، خنجر و چاقو به کار برد. با این حال، هر از گاهی از فن "نوک شمشیر را حواله کردن" در *تاریخ احمد شاهی* (ص ۱۳) از قرن هفدهم و فن "تیغ فرو کردن" در *دوران قاجار* یاد می شود. مراجعه کنید به *فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، قشون و نظمیه* [۱۰] (ص ۴۲۶).



صحنه "کی خسرو افراسیاب و گرسیاوز را می کشد" در شاهنامه کالاه خاور که اجرای تکنیک "نوک شمشیر را حواله کردن" را به نقش می کشد (با کسب اجازه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

#### ۴.۵ ضربات با پشت شمشیر

پشت شمشیر کند است ولی بنا به منابع ایرانی در نبردها کارکردهای گوناگونی داشت. برای نمونه مطابق *دارابنامه* ([۴]، ج ۲) اثری از قرن چهاردهم، فن "پشت شمشیر بر کلاهخود زدن" را به کار می بردند تا با پشت شمشیر کلاهخود حریف را از سرش انداخته و تعادل وی را به هم بزنند. همچنین از این روش می شود با پشت شمشیر بر رگ و آگ حریف ضربه ای زد تا گیج شود و بدون اینکه صدمه جدی به او وارد شود دستگیرش نمود. این کاربرد در *داستان حسین کرد شبستری* ([۵]، ص ۸۲) با عنوان "پشت شمشیر بر رگ خواب زدن" آمده است.



شمشیر دوران صفوی (با لطف و اجازه موسسه فرهنگی بنیاد)



یکی از شمشیرهای دوران صفوی



شمشیر دوران زند

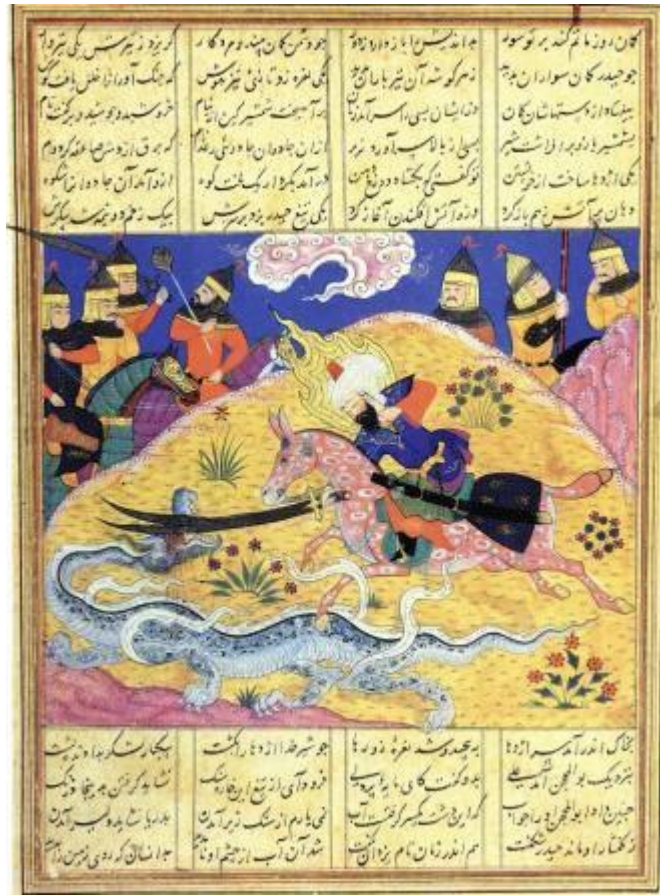


شمشیر دوران قاجار (با لطف و اجازه موسسه فرهنگی بنیاد)

## ۵- چکیده:

این مقاله نشان داد که شمشیرزنی ایرانی و تمرینات آن همواره با یک سری قواعد همراه بود. رزمندگان ایرانی از این قوانین که در مجموع جوانمردی خوانده می شدند پیروی می کردند. ابزارهای بسیاری استفاده می شدند تا بدن را برای مبارزه آماده کنند و تقویت ماهیچه ها در این امر نقش مهمی داشتند. فنون حمله با شمشیر به دسته های زیر تقسیم می شوند: اجرای ضربه رو به پایین و رو به بالا، ضربات افقی و ضرباتی که با پشت شمشیر نواخته می شوند.



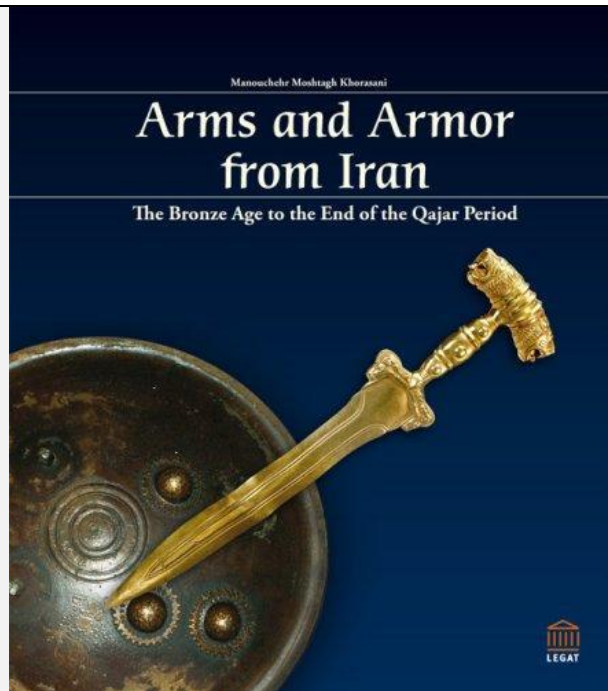


نبرد امام علی در برابر اژدها، فرهاد شیرازی، خاوران نامه، ۱۴۸۶-۱۴۷۶، کاخ گلستان

### مطالعه بیشتر:

در مورد جوانمردی به مقاله محسن ذاکری در [دانشنامه ایرانیکا](#) مراجعه بفرمایید. مرضیه سلیمانی این مقاله را به فارسی برگرداند که در [تارنمای "اطلاعات حکمت و معرفت"](#) قابل دسترسی است.

اگر مایلید جزئیات سلاح ها و زره های ایرانیان (شمشیر، گرز، خنجر، نیزه، سپر، ...) از دوران باستان تا معاصر و حتی روش ساخت آن ها را مورد مطالعه قرار دهید. کتاب *Arms and Armor from Iran, The Bronze Age to the End of the Qajar Period* اثر مستطاب دکتر منوچهر مشتاق خراسانی کارشناس سلاح های سرد و ورزش های رزمی ایرانی که برنده جایزه سال جمهوری اسلامی ایران هم شده است، با اختلاف بهترین کتابی است که در این رابطه نگاشته شده است.



دکتر مشتاق خراسانی ده سال برای تالیف این کتاب زحمت کشیدند. این کتاب بزرگ به علت وجود صدها صفحه تصویر با کیفیت بالا نوعی کاتالوگ بزرگ می باشد و از لحاظ جزئیاتی که در آن آمده به نوعی دانشنامه سلاح های ایرانی شباهت دارد. از دیگر فعالیت های ارزنده دکتر مشتاق خراسانی تلاش برای احیای ورزشهای رزمی پدران ما است (چه با سلاح، چه مبارزه تن به تن بدون اسلحه و روی خاک). نام این ورزش رزمی ایرانی "رزم افزار" است و می توانید در [این آدرس](#) بیشتر با آن آشنا شوید.



منابع

[1] Zâkeri, Mohsen (1995). Sasanid Soldiers in Early Muslim Society : The Origins of Ayyârân and Futuvva. Wiesbaden : Harrassowitz Verlag.

[2] Alam Arâye Shâh Tahmâsp Shah Alam Aray Tahmasp (1991/1370). Zendegani Dâstâni Dovomin Padeshâh-e Doreye Safavi [The Narrative Biography of the Second Safavid King]. (1991/1370). Zendegani Dastan-e Dovomin Padeshâh Dorey Safavi [The Narrative Biography of the Second Safavid King]. Edited and Annotated by Iraj Afshâr. Edited and Annotated by Iraj Afshar. Tehran : Enteshârât-e Donyâ-ye Ketâb. Tehran: Donya-e Enteshârât-ye Ketab.

عالم آرای شاه تهماسب

[3] Al-Jâmi, Mahmud al-Hosseini al-Monshi Ibn Ebrâhim (2001/1379). Târikh-e Ahmad Shâhi . Al-Jami, Mahmud al-Hosseini al-Ebrahim Ibn Monshi (2001/1379). Tarikh-e Ahmad Shah. Annotated and Edited by Puhând Doktor Sorur Homâyun. Annotated and Edited by Puhând Doktor Sorur Homayun. Pashâvar : Dânesht Xaparanduyeh Tulne. Pashâvar: Danesh Xaparanduyeh Tulne.

تاریخ احمد شاه. محمود الحسینی المنشی جامی

[4] Beiqami, Molânâ Mohammad (2002/1381). Dârâbnâme . Beiqami, Molan Mohammad (2002/1381). Dârâbnâme. Corrected and Annotated by Zabihollâh Safâ. Corrected and Annotated by Zabihollâh Safa. Two Volumes. Two Volumes. Tehran : Sherkat-e Enteshârâte Elmi va Farhangi. Tehran: Sherkat-e Elmi Enteshârâte will Farhangi.

[5] Dâstân-e Hossein Kord-e Shabestari (2003/1382). The Story of Hossein Kord Shabestari . Dastan-e Kord-e Shabestari Hossein (2003/1382). The Story of Hossein Kord Shabestari. Annotated by Abbâs Shabgâhi Shabestari. Annotated by Abbas Shabgâhi Shabestari. Tehran : Moaseseye Enteshârât-e Farahâni. Tehran: Moaseseye Enteshârât-e Farahani.

داستان حسین کرد شبستری

[6] Hakim, Manouchehr Khân (Unspecified date). Koliyat-e Haft Jeldi Eskandarnâme : Sâhebgârân Zowalgarenein Eskandar ben Dârâb ben Bahman ben Esfandiâr Ruintan [The Complete Seven Volumes of Eskandarnâme : Sahebgaran Zowalgarenein Alexander, the son of Dârâb, the son of Bahman, the son of the Invulnerable Esfandiâr]. Hakim, Manouchehr Khan (Unspecified date). Koliyat Jeld-e Haft Eskandarnâme: Sâhebgârân Zowalgarenein Eskandar Darab ben ben Bahman Esfandiari Ruintan [The Complete Seven Volumes of Eskandarnâme: Sahebgaran Zowalgarenein Alexander, the sound of Darabi, the sound of Bahman, the sound Esfandiari of the Invulnerable]. From the Series of Legends of Oriental Pahlavân Tehrân : Enteshârât-e Mohammad Hasan Sar Elmi. From the series of Legends of Oriental Pahlavan Tehran: Mohammad Hasan Enteshârât-e Sar Elmi.

اسکندرنامه - نقالی منوچهرخان کریم

[7] Kâshefi Sabzevâri, Molânâ Hossein Vâ'ez (1971/1350). Futuvvatnâme-ye Soltâni . Sabzevar Kashefi, Hossein Vâ'ez Molan (1971/1350). Futuvvatnâme-ye Soltani. Annotated by Mohammad Ja'far Mahjub. Mohammad Ja'far Mahjub Annotated by. Tehrân : Enteshârât Bonyâd-e Farhang-e Irân. Tehran: Farhang-e Enteshârât Bonyad-e Iran.

فتوت نامه سلطانی - مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری

[8] Mobârak Shâh Fakhr-e Modabbar, Mohammad ben Mansur ben Said (1967/1346). Adâb al-Harb va al-Shojâ-e [The Customs of War and Bravery] . Annotated by Ahmad Soheili Khânsari. Fakhr-e Mobarak [9] Shah Modabbar, Mansur bin Mohammed bin Said (1967/1346). Adab al-Harb al-going e-Shoji [The Customs of War and Bravery]. Soheili Khansari Annotated by Ahmad. Tehran : Eqbâl. Tehran: Eqbal.

آداب الحرب و الشجاعة - محمد بن منصور بن سعید

[10] Modarresi, Yahya, Samei, Hossein, and Zahra Safavi Mobarhen (1991/1380). Farhang-e Estelâhât-e Doreye Qâjâr : Qushun va Nazmiyeh [The Lexicon of the Expressions of the Qâjâr Period : Army and Military]. Modarresi, Yahya, SAMEI, Hossein, and Zahra Safavi Mobarhen (1991/1380). Estelâhât Farhang-e-e Qajar Dorey: Qushun will Nazmiyeh [The Lexicon of the Expressions of the Qajar Period: Army and Military]. Tehrân : Daftar-e Pajuheshhâye Farhangi. Tehran: Daftar-e Pajuheshhâye Farhangi.

فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، قشون و نظمیه - یحیی مدرس، حسین سامعی، زهرا صفوی مبرهن

[11] Moshtagh Khorasani, Manouchehr (2006a). Moshtagh Khorasani, Manouchehr (2006a). Arms and Armor of Achamenians and Sassanians. Fezana Journal , Summer Issue, pp. Arms and Armor of Achamenians and Sassanians. Fezana Journal, Summer Issue, pp. 87-92. 87-92.

[12] Moshtagh Khorasani, Manouchehr (2006b). Moshtagh Khorasani, Manouchehr (2006b). Arms and Armor from Iran : The Bronze Age to the End of the Qajar Period. Arms and Armor from Iran: The Bronze Age to the End of the Qajar Period. Tübingen : Legat Verlag. Tübingen: Legat Verlag.

[13] Mostufi, Homadollâh (1999/1377). Zafarnâmeh be Enzemâm-e Shâhnâmeh Abolqâsem Ferdowsi [ Zafarnâmeh together with Shâhnâmeh Abolghâsem Ferdowsi]. Mostufi, Homadollâh (1999/1377). Zafarnâmeh Be Enzemâm-e Ferdowsi Shâhnâmeh Abolqâsem [Zafarnâmeh together with Shâhnâmeh Abolghâsem Ferdowsi]. With an Introduction by Dr. Nostratollah Rastegar. With an Introduction by Dr. Rastegar Nostratollah. Tehran : Markaz-e Nashr-e Dâneshgâhi. Tehran: Markaz-e-e Nashr Dâneshgâhi.

ظفرنامه حمد الله مستوفی به انضمام شاهنامه فردوسی

[14] Romuz-e Hamzeh Romuz-e Hamzeh (1940/1359 hegira:224). (1940/1359 Hegira: 224). Handwritten by Mohammad Ali Nâmeh. Handwritten by Mohammad Ali Nameh. Tehran : Sherkat-e Tab-e Ketâb. Tehran: Sherkat-e-e Ketab Tab.

رموز حمزه

[15] Shabânkâre'i, Mohammad Ben Ali Ben Mohammad (2002/1381). Majma' al-Ansâb (Nime-ye Aval).

[مجمع الانساب - محمد بن علی شبانکاره ای، نشر امیرکبیر](#)

[16] Shiru-ye Nâmdâr (2005/1384). Shiru-ye Namdar (2005/1384). Tehran : Enteshârât-e Qoqnos. Tehran: Enteshârât Qoqnos-e.

شیرویه نامدار

[17] Tartusi, Abu Tâher (2001/1380). Abu Moslemnâmeh . Tartusi, Abu Taher (2001/1380). Moslemnâmeh Abu. Annotated by Hossein Esmâili. Annotated by Hossein Esmail. 4 Volumes. 4 Volumes. Tehrân : Enteshârât-e Moi'n, Nashr-e Qatreh, Anjoman-e Irânshenâsi dar Irân. Tehran: Enteshârât Moi'n-e,-e Nashr Qatreh, Anjoman Irânshenâsi dar-e Iran.

ابومسلم نامه - ابوطاهر طرطوسی

[18] Khusofi Birjandi, Ibn Hosâm (2002/1381). Khâvarânnâmeh . Khusofi Birjandi, Ibn Hosam (2002/1381). Khâvarânnâmeh. With an Introduction by Saïd Anvâri. With an Introduction by Said Anvari. Tehrân : Sâzmân-e Châp va Enteshârât. Tehran: Chap-e Sazman will Enteshârât.

خاوران نامه - ابن حسام خوسفی بیرجندی

[19] Al-Kateb al-Rajani, Faramarz ben Khodadad ben Abdollah, 2004/1383. Samak Ayyar, Annotated by Seyyed Ali Shahari, two volumes. Tehran:Seday-e Moasser.

سمک عیار- فرامرز بن خداداد بن عبدالله کاتب ارجانی

ترجمه: ویلاگک [hessamoddin.wordpress.com](http://hessamoddin.wordpress.com)